

۳۱۷ - ای مستهام در جمال رحمن در این ساعت که بوی خوش جان از یمن جانان میرسد و مشام عاشقان معطر و دماغ مشتاقان معنبر است حرارت محبت الله در قلوب یاران حقیقی و دل‌های دوستان معنوی چنان ظاهر و لامعست که جواهر وجود در میدان فدا بجان و دل میکوشند و بقربانگاه عشق بکمال اشتیاق میشتابند زهر شمشیر در مذاقشان دریاق فاروق اعظمست و سهم جفا چون مرهم وفا و سم ردی چون شهد شفا نزدشان مرغوب و گواراست چنانچه مشاهده فرمودید که آن منجذب ملکوت ابهی و سرمست باده وفا و مشتعل بنار محبت الله حضرت مرتضی کف زنان رقص کنان چون گل شکفته و خندان بمیدان فدا شتافت و چنان جانبازی نمود که ندای تحسین از ملکوت ابهی و رفرف اعلی بلند شد هنیئا لک ایها المستشهد فی سبیل الله